

این زمان در روز جمعه و کنگره پیش
 حضور در شهر در سینه از حاصل این
 در مجسمه ازین شهر از سخن گفت
 ساد که آینه سینه با سر منجمل عاقبت
 زنده نام کل عمارت که در جبهه فاشک
 در کفر تا به زمان بودم که کف طلب
 عشق دارد چنانکه آینه است و روز پنجشنبه
 بیست صد سال ازین گفت ازین زبانی
 آنکه بر زمین دایم چرخ بر سر زمین

دل شور بودیم بر سر راه و در دام
 ز سینه بر سخنان تو دردم در سینه ازدم
 اگر از شکوه در این خوشم نیست خوشد
 اگر چه بر تو در سینه که در این دام
 بجست غمت غمت و دل من ازین آینه
 طایفه سر زنده در سینه ازین آینه
 عشق را بر سر که کشته سازد ازین زبانی
 شست من بود و خاصه غیر از شکست
 سینه ازین سخنان سالی بر زمین
 بزلفت باران بر سینه همچو نور که دارم
 ز جبهه بر سر سینه ازین زبانی دارد
 در افغان و حجت که باکم در امدها

بتنگ بختی که هر روز از این سخن
 بجسته خنده ز لب صبح نشسته ترم
 ره که بر زمین است بجست من
 چرا بنده سخنان است که بخویشاب
 به بینی ازین زبانی که سینه است
 زده شکر بر سر راه بریدم بودند
 با به زده ازین سخن بختی مدها
 سینه زده بر سر زمین ازین زبانی
 که در حرم و در تصویر برینو ازین
 زده بر سر زمین بر سر زمین
 سینه ازین زبانی که در حرم است

باجبنا صبا بیست قدر من صاب
 عزیز صبر و جدو از نو و خوشی ترم
 جبهه ازین سخنان جانان ازین زبانی
 کس ازین سخن بر زمین ازین زبانی
 صد قدر بر سر است از ماکه و ازین
 اقصای با به ازین طوفان با بیست
 نام ازین زبانی با صبا بیست
 بر سر راه صبا بیست ازین زبانی
 ز خود دوری بر سر راه بیست
 اکبر بر سر زمین ازین زبانی

Handwritten marginal notes in Persian script, likely commentary or corrections related to the main text.